

شناسایی مؤلفه‌های توسعه فرهنگی

یک مطالعه کیفی پیرامون مراکز فرهنگی با رویکرد تجزیه و تحلیل سلسله مراتبی

چکیده

امروزه مقوله فرهنگ و توسعه فرهنگی یکی از کلیدی‌ترین ابعاد نظام اجتماعی است به همین دلیل نقش مراکز فرهنگی قابل تأمل است. بررسی شاخص‌های مؤثر در کارکرد این مراکز مسئله‌ای قابل تأمل است. این مطالعه یک پژوهش کیفی از نوع گراند تئوری است و جامعه پژوهش را ۱۰ نفر از خبرگان صاحب‌نظر در زمینه توسعه فرهنگی تشکیل می‌دهد. در گام بعدی با روش سلسله مراتبی (AHP) وزن‌دهی و رتبه‌بندی شاخص‌ها صورت پذیرفت. پرسشنامه تنظیم و توزیع و جمع‌آوری شده است. بخش کمی این پژوهش براساس مدل کرجسی و مورگان در جامعه کارشناسان فرهنگی متشکل از ۲۹۸ نفر از مدیران مراکز اجرا گردید. تحلیل یافته‌های حاصل از مصاحبه نشان داد که مؤلفه‌های اساسی مراکز فرهنگی شامل دینی و مذهبی، اشتغال، ملی و بومی، پوشش، سلامت، پژوهش، سبک زندگی، تکنولوژی و ارتباطات می‌باشد. نتایج پژوهش به روش سلسله مراتبی (AHP) نشان می‌دهد که شاخص دینی و مذهبی اولویت اول و شاخص‌های ملی و بومی، پوشش، سبک زندگی، سلامت، پژوهش، تکنولوژی و ارتباطات، نرخ ناسازگاری اولویت دوم تا هشتم بوده است. ضمناً میانگین هر یک از شاخص‌ها نشان می‌دهد که شاخص‌های پوشش، دینی و مذهبی، پژوهش، سلامت، اشتغال، تکنولوژی، سبک زندگی و شاخص ملی و بومی به ترتیب بالاترین میانگین‌ها را داشته‌اند که این نتایج حاکی از وجود شکاف بین مدیران و تصمیم‌گیران مراکز آموزشی و مجریان می‌باشد.

اهداف پژوهش:

۱. مطالعه مؤلفه‌های توسعه فرهنگی.
۲. بررسی شکاف بین مدیران و تصمیم‌گیران مراکز آموزشی و مجریان.

سؤالات پژوهش:

۱. چه ارتباطی بین مؤلفه‌های توسعه فرهنگی وجود دارد؟
 ۲. چه عواملی در شکاف بین مدیران و تصمیم‌گیران مراکز آموزشی و مجریان وجود دارد؟
- کلیدواژه‌ها:** توسعه فرهنگی، روش سلسله مراتبی، شاخص‌های اولویت‌بندی، تحلیل داده بنیاد.

مقدمه

موضوع توسعه فرهنگی و پرداختن به موانع آن در ایران، به سه پارادایم ایرانی-اسلامی و غربی، به گونه‌ای عمل کرده که علاوه بر حفظ ذخایر فرهنگ غنی ایران و اسلام، از غافله مدرنیته عقب نماند و به گونه‌ای عمل نکند که به‌عنوان افرادی انجماد فکر، سنت پرست و بیگانه با رشد تمدن معاصر در نظر گرفته شود. همچنین می‌بایست با تکیه بر داشته‌های فرهنگی و ساختارهای موجود، توسعه فرهنگی شکل گیرد. رهیافت درون‌زا به توسعه، مستلزم این است که زمینه فرهنگی-اجتماعی‌ای که توسعه در آن رخ می‌دهد و نیز شرایطی که به آن فرهنگ اختصاصی مربوط می‌شود، لحاظ و این رهیافت است که یکپارچگی توسعه و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی را تضمین می‌کند. هدف این تحقیق شناسایی مؤلفه‌های توسعه فرهنگی بود. بر این قرار ابتدا به مسأله توسعه و چرایی آن و سپس به نقش و اهمیت آن در دهه‌های اخیر به‌طور خلاصه می‌پردازیم، و سپس نگاهی به فرهنگ انداخته و تعریف خود را از فرهنگ توسعه ارائه می‌دهیم؛ آنگاه مفاهیم توسعه فرهنگی، اقتصادی، انسانی و سیاسی و اجتماعی مورد واکاوی و کنکاش قرار می‌گیرند. در نهایت با توجه به مسئله تحقیق فرضیه و سؤال‌های تحقیق مطرح و مدل مفهومی ارائه می‌شود. اصولاً توسعه تغییر بنیادی در متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر جامعه محسوب می‌شود که یکی از ارکان آن جامعیت یکپارچه بودن آن در رفع عدم تعادل‌های اقتصادی و اجتماعی درون مناطق است. بدین لحاظ توزیع عادلانه امکانات و ثمرات توسعه در میان اکثریت جمعیت از خصیصه‌های مهم اقتصاد سالم و پویاست که برنامه‌ریزان جهت تحقق این امر تاکید بر کاهش نابرابری‌ها و عدم تعادل‌ها از طریق اجرای برنامه‌های متعدد محرومیت‌زدایی و تدوین برنامه‌های کارآمد و منطبق بر واقعیت دارند. توسعه مفهومی بسیار گسترده با ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی، انسانی و پایدار است. بین انواع توسعه، رابطه متقابل و هماهنگ وجود دارد. برای رسیدن به توسعه باید تمامی این انواع، به تناسب و هماهنگ با یکدیگر در نظر گرفته شوند. ضرورت مطالعه و بررسی این حوزه‌ها برای شناخت آنها و کوشش در جهت رفع موانع، پیشرفت و ترقی جامعه و رفاه همگانی بر کسی پوشیده نیست و این خود ارتباط تنگاتنگ توسعه با حیاتی‌ترین عرصه‌های زندگی مردم هر جامعه را نشان می‌دهد. به‌طور کلی، رویکرد علمی و عقلانی این است که تمامی ابعاد توسعه، یعنی توسعه فرهنگی، توسعه اجتماعی، توسعه حقوقی، توسعه سیاسی، توسعه علمی، توسعه اقتصادی، توسعه انسانی و توسعه اکولوژیک، را در یک رابطه متقابل در نظر گرفته شود. با توجه به بررسی‌های بعمل آمده در ادبیات تحقیق و همچنین بررسی‌های به‌عمل آمده در مراکز فرهنگی از جمله آموزش پرورش، تاکنون مدلی که به بحث توسعه مراکز فرهنگی پرداخته باشد، مشاهده نشده است.

درخصوص پیشینه پژوهش حاضر باید گفت تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر در نیامده است. با این حال آثاری به بررسی مؤلفه‌های توسعه فرهنگی در مراکز مختلف پرداخته‌اند. صالحی امیری و دیگران (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای با عنوان «شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های توسعه فرهنگی در کتابخانه ملی ایران»، انجام شده است که نویسندگان مؤلفه‌هایی چون «شناسایی و معرفی مفاخر فرهنگی مشترک با دیگر کشورها»، «تقویت سازمان‌های مردم‌نهاد» و «گفت‌وگوی بین تمدن‌ها» را از عوامل فرهنگی مؤثر در توسعه فرهنگی در کتابخانه ملی می‌دانند. در این پژوهش اشاره‌ای به مقوله توسعه فرهنگی در مراکز آموزشی نشده است. رشیدی (۱۳۹۵) در مطالعه جامعه‌شناختی تأثیرات توسعه اقتصادی-اجتماعی بر هویت قومی در شهرستان مهاباد، در پی پاسخ به سؤالاتی در ارتباط با «چگونگی تأثیرات توسعه بر هویت جمعی» است و با توجه به ماهیت روش‌شناختی مورد استفاده به تبیین علل و عوامل، زمینه‌ها و شرایط، راهبردها و پیامدهای این تأثیر می‌پردازد و از روش نظریه بنیانی با مصاحبه‌های عمیق و مشارکت‌های میدانی در بین ساکنین شهرستان مهاباد استفاده کرده‌است. توسعه در لوای نوسازی و

پروژه‌های اقتصادی و تکنولوژیک به صورت سطحی همه جوانب زندگی فردی و اجتماعی را تغییر داده‌است و موجب بحران‌هایی بر اجزای هویت قومی-کُردی شده‌است. شاهسواری و دیگران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان بررسی اهمیت توسعه فرهنگی و تأثیر آن بر خودباوری جامعه بیان می‌دارد که؛ آنچه در مفهوم فرهنگ اهمیت دارد باورهای ذهنی و ارزشی است که می‌توان در روابط اجتماعی انسان‌ها به صورت رفتار و کنش مشاهده کرد. توسعه فرهنگی منجر به خودباوری جامعه شده است، و این مسئله خود در شکل‌گیری و هویت فرهنگی جامعه نقش مهمی را ایفاء می‌کند. توسعه فرهنگی در قالب اهمیت دادن به ارزش‌های محلی و ملی، باید بتواند از طریق برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و اجتماعی به نیازهای معنوی و مادی افراد جامعه خود پاسخ دهد. سیاست فرهنگی از جمله مفاهیم مرتبط با توسعه فرهنگی است که در چند دهه اخیر به آن توجه شده است؛ هدف این پدیده پیشرفت و پویایی نوین و نظام‌مند جامعه است. اسماعیل کاوسی (۱۳۹۴) به طراحی الگوی توسعه روابط بین فرهنگی در عصر جهانی شدن پرداخت هدف اصلی در این مقاله شناسایی و ارائه الگوی توسعه روابط بین فرهنگی در عصر جهانی شدن در کشور می‌باشد نتایج بدست آمده از آزمون فریدمن نیز نشان داد که فرهنگ در مقایسه با ۳ مؤلفه قدرت سیاسی، اقتصادی، نظامی در رتبه سوم اولویت قرار دارد. اما در بخش میدانی، اعضای جامعه آماری به‌رغم مهم انگاشتن نقش فرهنگ در سیاست خارجی، تأثیر فرهنگ را در این زمینه کمتر از قدرت سیاسی و اقتصادی دانسته‌اند.

کلر، روابط بین فرهنگ و توسعه^۱ (۲۰۱۷) روابط بین فرهنگ و توسعه، متفاوت و سیستماتیک است. اصول مختلف رشد و توسعه، نشان‌دهنده تفاوت‌های فرهنگی سیستماتیک در توسعه یک مفهوم از خود: پویایی توسعه است. به رسمیت شناختن مسیرهای مختلف توسعه برای علوم پایه ضروری، و یک الزام اخلاقی برای زمینه‌های کاربردی است. آلبرت^۲ (۲۰۱۴) نقش فرهنگ در توسعه اجتماعی در طول زندگی: رویکرد روابط بین فردی این مقاله برخی از مزایا و معایب مربوط به روانشناسی فرهنگی توسعه دهنده زندگی را برجسته کرده است. روش مقایسه پدیده‌های روانشناختی در زمینه‌های مختلف فرهنگی، امکان آزمون جهانی‌ها و توجه به جنبه‌های فرهنگی این فرآیندها را در نظر می‌گیرد. در نتیجه فرصتی برای غلبه بر تعصب قوم‌گرایی به همراه شانس برای جدا شدن متغیرهای دخیل دیگر ارائه شده است. هدف از تجزیه و تحلیل ما این است که چگونه مفاهیم فرهنگی به تفکر و برنامه‌ریزی توسعه می‌رسند. در نظر گرفتن فرهنگ‌ها چندگانه و توسعه به‌عنوان مجموعه‌ای از شیوه‌ها و معانی فرهنگی تعبیه شده، رویکرد ما مسائل مربوط به اینکه چگونه پارادایم‌های توسعه مفاهیم صریح فرهنگی را تصویب کرده و یا در آنها هنجارهای فرهنگی ضمنی را وارد کرده‌اند، مطرح می‌شود. در این تحقیق با توجه به الگوهای ارائه شده و متغیرهای توسعه‌ای حاکم در مراکز فرهنگی، و همچنین بر اساس روش گراند تئوری الگوی لازم پیاده‌سازی می‌شود. این پژوهش از نوع تحقیقات ترکیبی (کیفی و کمی) بوده و جامعه آماری این پژوهش، بنا به ماهیت روش پژوهش تشکیل شده از دو گروه افراد است:

جامعه آماری بخش کیفی که از خبرگان این پژوهش عبارت است از آن دسته از مراکز فرهنگی، که نسبت به موضوع پژوهش مطلع بوده و می‌توانند اطلاعات باارزش را در اختیار پژوهش‌گر قرار دهند. بنابراین جامعه آماری در پژوهش حاضر خبرگانی که در زمینه الگوهای توسعه فرهنگی دارای دانش حرفه‌ای و تجربه در حوزه فرهنگ هستند می‌باشد که تعداد آنها برابر با ۱۰ نفر می‌باشند. جامعه آماری بخش کمی، نمونه‌گیری به صورت تصادفی طبقه‌ای ساده انجام

^۱ Heidi Keller

^۲ Isabelle Albert

شده است که در این پژوهش از کارشناسان، دبیران و مدیران مراکز فرهنگی که به تعداد ۱۴۵۰ نفر بوده است که براساس جدول کرجسی مورگان ۳۰۲ نفر نمونه می‌باشد که ۳۲۰ پرسشنامه توزیع شده است که تعداد ۲۹۸ پرسشنامه عودت داده شد که مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در این پژوهش پس از مصاحبه و براساس اصول تحقیق داده بنیاد ابتدا شاخص‌های اصلی مشخص و سپس این شاخص‌ها از طریق پرسشنامه‌ای که در پیوست می‌باشد توسط مدیران و معاونین شاغل در امور فرهنگی در مراکز آموزشی و سپس توسط دبیران پرورشی مورد بررسی قرار گرفت.

فرضیاتی که این پژوهش دنبال می‌کند عبارتند از:

۱. بعد دینی مذهبی اثر معناداری بر توسعه فرهنگی دارد؛
۲. بعد اشتغال اثر معناداری بر توسعه فرهنگی دارد؛
۳. بعد ملی و بومی اثر معناداری بر توسعه فرهنگی دارد؛
۴. بعد پوشش اثر معناداری بر توسعه فرهنگی دارد؛
۵. بعد سلامت اثر معناداری بر توسعه فرهنگی دارد؛
۶. بعد پژوهش اثر معناداری بر توسعه فرهنگی دارد؛
۷. بعد سبک زندگی اثر معناداری بر توسعه فرهنگی دارد؛
۸. بعد تکنولوژی و ارتباطات اثر معناداری بر توسعه فرهنگی دارد.

منابع:

- اجلالی، پرویز. (۱۳۷۹). سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی در ایران، تهران: نشر آن.
- ازکیا، مصطفی. (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی ایران، تهران: انتشارات اطلاعات
- دانایی‌فرد، حسن. (۱۳۹۲ الف). روایی و پایایی در پژوهش‌های کیفی مطالعات سازمان و مدیریت. (فصل هشتم از کتاب روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع). چاپ دوم، تهران: انتشارات صفار.
- دانایی‌فرد، حسن. (۱۳۹۲ ب). استراتژی پژوهش‌های ترکیبی در مطالعات سازمان و مدیریت. (فصل هشتم از کتاب روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع). چاپ دوم، تهران: انتشارات صفار.
- دانایی‌فرد، حسن؛ الوانی، سید مهدی و آذر، عادل. (۱۳۸۶). روش‌شناسی پژوهش کمی در مدیریت: رویکردی جامع. تهران: انتشارات اشراقی.
- رادریگز، کارل. (۱۳۸۰). مدیریت در عرصه‌های بین‌المللی. ترجمه شمس‌السادات زاهدی و حسن دانایی‌فرد، تهران: صفار.
- رضوانی، محمدرضا. (۱۳۸۳). «سنجش و تحلیل سطوح توسعه‌یافتگی نواحی روستایی شهرستان سنجند با استفاده از GIS»، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۳.

- صالحی امیری، سید رضا و همکاران. (۱۳۸۹). توسعه فرهنگی - تهران: پژوهشکده تحقیقات راهبردی.
- صالحی امیری، رضا. (۱۳۸۲). مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی، تهران: ققنوس.
- شایان، حمید. (۱۳۷۹). مقدمه‌ای بر توسعه انسانی و عوامل مؤثر بر آن در کشورهای اسلامی، مجموعه مقالات رویکرد فرهنگی به جغرافیا، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- شریف‌زاده فتاح؛ کاظمی، مهدی. (۱۳۷۷). مدیریت و فرهنگ سازمانی، تهران: انتشارات قومس.
- طوسی، محمدعلی. (۱۳۷۶). «فرهنگ سازمانی»، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- کاشی، غلامرضا؛ محمدجواد، مجید. (۱۳۸۲). سیاست‌گذاری و فرهنگ در ایران امروز (مجموعه مقالات همایش)، تهران: نشر باز.
- کلانتری، خلیل. (۱۳۷۷). مفهوم و معیارهای توسعه اجتماعی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۳۲-۱۳۱.
- عابدی، سید حسن. (۱۳۸۴). «بررسی فرهنگ سازمانی حاکم و شناسایی و شناخت ویژگی‌های اصلی آن در شرکت آب و فاضلاب استان آذربایجان شرقی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت توسعه منابع انسانی، مؤسسه تحقیقات و آموزش مدیریت.
- فاضلی، نعمت‌الله و همکاران. (۱۳۷۶). فرهنگ و توسعه، تهران: سازمان چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۷۸). از فرهنگ تا توسعه با تاکید بر مسائل توسعه، تهران: نشر فردوس.
- قره‌باغیان، مرتضی. (۱۳۷۰). اقتصاد رشد و توسعه، تهران: نشرنی.
- مقیم، محمد. (۱۳۸۰). سازمان و مدیریت با رویکردی پژوهشی. تهران: انتشارات ترمه.
- مک‌گریگور و دیگران. (۱۳۷۹). مدیریت استراتژیک، ترجمه عباس منوریان، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- مینتز برگ، هنری؛ جیمز براین کویین و ام. جیمز رابرت. (۱۳۷۶). مدیریت استراتژیک (فرایند). ترجمه محمد صائبی، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- وحید، مجید. (۱۳۸۲). از فرهنگ سیاست‌گذاری تا سیاست‌گذاری فرهنگی سیاست‌گذاری و فرهنگ؛ در ایران امروز (مجموعه مقالات همایش)، تهران: نشر باز.

Keller, H., & Kärtner, J. (۲۰۱۳). Development – The culture-specific solution of universal developmental tasks. In M. L. Gelfand, C.-Y., Chiu, & Hong, Y. Y. (Eds.), *Advances in culture and psychology*, Vol. ۳ (pp. ۶۳-۱۱۶). Oxford, NY: Oxford University Press.

Keller, H., Völker, S., & Yovsi, R. D. (2008). Conceptions of parenting in different cultural communities. The case of West African Nso and Northern German women. *Social Development*, 17(1), 108-120.

Keller, H., Yovsi, R. D., & Voelker, S. (2002). The role of motor stimulation in parental ethnotheories. The case of Cameroonian Nso and German women. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 33(2), 298-313.

Kärtner, J., Holodynski, M., & Wörmann, V. (2003). Parental ethnotheories, social practice and the culture-specific development of the social smile in infants. *Mind, Culture, and Activity*, 10(1), 9-30.

Keller, H. (2003). *Cultures of infancy*. Mahwah, NJ: Erlbaum.

Keller, H. (2001). Biology, culture and development: conceptual and methodological considerations. In F. J. R. van de Vijver, A. Chasiotis & S. Breugelmans (Eds.), *Fundamental questions in cross-cultural psychology* (pp. 312-320). Cambridge, GB: Cambridge University Press.

Cole, M., & Packer. (2006). A bio-cultural-historical approach to the study of development In M. J. Gelfand, C.-Y. Chiu & Y.-y. Hong. (Eds.). *Handbook of advances in culture and psychology*, Vol. 1. Retrieved January, 16, 2007.

Pandit, N. R. (1996). The creation of theory: A recent application of the grounded theory method. *The qualitative report*, 1(2), 1-10.